

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲

سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۶

دستاوردهای مدیریتی حکومت امام مهدی عج

رضا قزی^۱

سید صمصام‌الدین قوامی^۲

چکیده

روایات معتبری دال بر وجود سیره و روش واحد مدیریتی بین پیامبر اکرم ص و امام مهدی عج وجود دارد، علاوه بر مشابهت‌های صوری، تشابه محتوای مدیریت هر دو بزرگوار در روش، اهداف و ابزار، همگی نشان از وجود دستاوردهای واحدی از حضرت رسول اکرم ص و امام مهدی عج دارند. بر این اساس، می‌توان گفت که برنامه‌های عملیاتی امام زمان عج بر اساس تعالیم قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم ص تنظیم گردیده است. بنابراین دستاوردهای مدیریتی این انقلاب عظیم، بسیار چشم‌گیر و شایان توجه است. مقاله حاضر تلاش دارد به شیوه نقلی و تحلیلی دستاوردهای مدیریتی حکومت حضرت مهدی عج را توصیف و تحلیل نماید. بر این اساس مهم‌ترین دستاوردهای مدیریتی حکومت ایشان در این مقاله عبارتند از نظم، رشد، انگیزتگی و معنویت.

واژگان کلیدی

امام مهدی عج، مدیریت، وظایف مدیر، منابع مدیریت، رفتار سازمانی و فرهنگ سازمانی.

۱. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی عج قم و مدرس بنیاد فقهی مدیریت اسلامی

(نویسنده مسئول) (rghaz@gmail.com).

۲. استاد درس خارج حوزه علمیه و رئیس بنیاد فقهی مدیریت اسلامی قم.

یکی از رخدادهای مهم تاریخ جهان در آخرالزمان، انقلاب و حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام است. اما گستره مدیریت ایشان محدود به کشورها و امت‌های اسلامی نیست، بلکه فراگیر می‌باشد. بنابراین دستاوردهای عظیمی از جهات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مدیریتی به همراه خواهد داشت. دستاوردهای مدیریتی حکومت امام مهدی علیه السلام، نتایج و ثمرات مهم حاصل از مدیریت منابع با ایجاد انگیزه فوق‌العاده در جهت اهداف الهی‌شان است. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که «دستاوردهای مدیریتی حکومت امام مهدی علیه السلام چیست؟» پرسشهای فرعی دیگری نیز قابل طرح است: یکم. دستاوردهای ایشان در محور وظایف مدیر و رهبر چیست؟ دوم. دستاوردهای حضرت در محور منابع سازمانی کدامند؟ سوم. دستاوردهای ایشان در محور رفتار سازمانی چیست؟ چهارم. دستاوردهای ایشان در فرهنگ سازمانی کدام است؟

تلاش نگارنده در این مقاله به این پاسخ رهنمون شده است که «دستاوردهای مدیریت ایشان سازمانی منظم، رشد‌یابنده از تمام جهات، دارای افرادی با انگیزه فعال و دارای محیطی معنوی و روحانی و عرفانی است.» مقاله حاضر، با عنوان دستاوردهای مدیریتی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام در صدد است تا بر اساس قاعده $(۲+۴)$ امکان ردیابی تصویری از نتایج مدیریتی حکومت حضرت را بررسی نماید. دستاوردهای مدیریتی امام مهدی علیه السلام به عنوان ناب‌ترین و کامل‌ترین نسخه مدیریت عالم در لسان روایات یاد می‌شود. در بیان اهمیت و ضرورت بحث همین اندازه کافی است که با الگوگیری از سیره ایشان و نزدیک شدن رهبران اسلامی به سیره مدیریتی ایشان، مقدمات ظهور ایشان فراهم شده و امید‌آواران افزوده گردد. گرچه دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام که دارای ابعاد مختلف، سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی، دینی، تربیتی، اجتماعی، علمی و مدیریتی است؛ اما پژوهش حاضر، تنها بُعد مدیریتی حکومت امام مهدی علیه السلام را پی‌گیری می‌کند. دستاوردهای مدیریتی ایشان را از زوایای مختلف می‌توان مورد ملاحظه قرار داد. مانند مبانی مدیریت، رفتار سازمانی، روان‌شناسی سازمانی، مدیریت منابع سازمانی، دولتی، بازرگانی، مالی، صنعتی، دانش، استراتژیک و... اما در این نوشتار تنها به دستاوردهای مدیریتی حضرت در محورهای چهارگانه

۱. منظور از عدد «۴»، چهار محور اصلی مدیریت (وظایف مدیر، منابع انسانی، رفتار سازمانی و فرهنگ سازمانی) است که هر یک از این چهار محور در «۲» عرصه‌های کمی (مدیریت صنعتی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی و نظامی) و عرصه‌های کیفی مانند: (مدیریت فرهنگی، کیفیت، بهره‌وری، استراتژیک، توسعه، آینده، تحول و بحران) مطرح می‌باشند.

مدیریت می‌پردازیم. بحث از دستاوردهای مدیریتی حکومت امام مهدی علیه السلام به همان نتایج و مقاصد مدیریتی حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام می‌رسد. اما به خاطر موانع پیش رو میسر نشد آنها را تام و تمام تحقق بخشند. نوع پژوهش‌های در زمینه حکومت نبوی و علوی از پیشینه‌ی عام بحث مطرح است. بدون شک «حکومة المهدي» به نوعی تکرار یا تداوم «حکومة النبی» است. پس حکومت فاضله عادلّه مصداقی در گذشته و آینده دارد. برای آگاهی از اهداف، روش‌ها و دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام می‌توان نگرشی به سیره و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در این زمینه انداخت؛ زیرا علاوه بر این که هر دو مهندس و طراح حکومت‌اند، هم نام و کنیه نیز می‌باشند. همچنین از زاویه دیگر، یکی خاتم‌الانبیاء و دیگری خاتم‌الاصیاء می‌باشد. با وجود تشابه گسترده که در اخبار و روایات آمده است، تفاوت عمده تنها در دو مطلب است یکی «کمیت» و دیگری «زمان و مکان» است. (قوامی، ۱۳۹۲: ۲۰۲) نوآوری مقاله هم از جهت ساختار مقاله است (قاعده ۲+۴) و هم نتیجه دستاوردهای حاصل از ساختار این مقاله قابل ملاحظه است.

محور اول: دستاوردهای مبانی مدیریتی حضرت

تقریباً مدیریت پژوهان، اتفاق دارند که وظایف اصلی یک مدیر چهار وظیفه: سازماندهی، برنامه‌ریزی، نظارت و کنترل، هدایت و رهبری است. این وظایف آن قدر اهمیت دارند که گاهی از آن‌ها به مبانی مدیریت یاد می‌شود. در میان این وظایف، هدایت و رهبری اهمیت خاصی دارد به گونه‌ای که شاید بتوان گفت وظایف: مدیر (۳+۱) است یعنی (رهبری + سازماندهی و برنامه‌ریزی و نظارت) چرا که هدایت و رهبری یک مدیر باعث سازماندهی، برنامه‌ریزی، کنترل، ایجاد و اعمال می‌شود. (قوامی، ۱۳۹۲: ۱۲۳) رهبری در مدیریت همان هدایت است که در لغت و اصطلاح به آن اشاره شده است. هدایت یک مدیر و رهبر همان ارائه طریق است.

برنامه‌ریزی

به گفته چادویک «برنامه‌ریزی یک سیستم کلی ذهنی است. با ایجاد یک سیستم ذهنی مستقل اما منطبق بر سیستم دنیای واقعی، ابتدا پدیده تحول را شناخته، سپس آن را پیش بینی کرده و بالاخره آن را ارزیابی می‌کنیم، هدف بهینه کردن سیستم دنیای واقعی از طریق بهینه نمودن سیستم ذهنی می‌باشد» (کوبین لی، ۱۳۶۶: ۲۴۷) در خصوص ضرورت و اهمیت برنامه‌ریزی همین اندازه کافی است که بر تمامی وظایف مدیریتی اولویت داشته و موفقیت در تمامی این وظایف اعم از بسیج منابع، سازماندهی، هدایت و رهبری، همگی در سایه

برنامه‌ریزی صحیح ممکن خواهد بود. در فرهنگ مدیریت اسلامی از این اصل مدیریتی با عنوان «قدر» و «تقدیر» یاد شده است. (قوامی، ۱۳۹۳: ۱۲۰) برنامه‌ریزی چون ناظر به آینده است پس شناخت اهداف و برنامه‌های آتی و نیازهای سازمان به نیروی انسانی در آینده و چگونگی تأمین و یا کاهش آن، در این امر مهم می‌نماید. تأکید روایات معصومین علیهم‌السلام نیز برای تحقق یک برنامه کارآمد بر علم، تدبیر، (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۱۰، ۷۴) تجربه و دوراندیشی (آمدی، ۱۴۱۰: ۱۹۹) است. آن چه که برنامه‌ریزی امام مهدی علیه‌السلام را در حکومت جهانی اش از سایر مدیریت‌ها ممتاز و برجسته نموده مرهون چند عامل است. ۱. علم و آگاهی لازم و جازم؛ زیرا از سنه ۲۶۰ ق. یعنی اولین سال امامت ایشان تاکنون تمام مقدرات عالم در شب قدر (شب برنامه‌ریزی الهی) به محضر ایشان تسلیم می‌شود. بنابراین علم و اطلاعات امام مهدی علیه‌السلام هم نسبت به گذشته طولانی و هم نسبت به آینده مدید بسیار دقیق و شفاف است. ۲. آگاهی از اهداف: برقراری عدالت، صلح، امنیت، عبودیت در سطح جهانی نیاز به اطلاعات کافی و وافی از فرصت‌ها و تهدیدها، ضعف‌ها و قوت‌ها دارد. که این علم و دانش نه تنها در نزد حضرت موجود است بلکه منابع انسانی لازم برای این امر را نیز تجهیز می‌نماید. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

هَذِهِ الْعِدَّةُ الَّتِي يَخْرُجُ اللَّهُ فِيهَا الْقَائِمَ عليه‌السلام، هُمُ النَّبِيُّ وَالْفَضَاءُ وَالْحُكْمُ وَالْفُقَهَاءُ فِي الدِّينِ، يَمْسُحُ بظُؤُنِهِمْ وَظُهُورَهُمْ فَلَا يَشْتَبِيهِ عَلَيْهِمْ حُكْمٌ (طبری ۱۴۱۳: ۵۶۲).

بنابر مضامین چنین روایاتی که نظیرش کم نیست وزراء و نقباء حضرت نیز از چنین برنامه‌ای اطلاع دارند و دقیقاً آن را به کار می‌بندند.

سازماندهی

در تعریف سازمان آمده است؛ «سازمان پدیده‌ای اجتماعی به شمار می‌آید که به طور آگاهانه هماهنگ شده و دارای حدود و ثغور نسبتاً مشخص بوده و برای تحقق هدف یا اهدافی بر اساس یک سلسله مبانی دائمی فعالیت می‌کند. (رابینز، ۱۳۸۳: ۱۵۳) سازماندهی فرآیندی است که طی آن، با تقسیم کار میان افراد و گروه‌های کاری و ایجاد هماهنگی میان آنها، برای کسب اهداف سازمان تلاش می‌شود. ما حصل سازماندهی امام مهدی علیه‌السلام در حکومت خویش عینیت دادن امامت و امارت است. اتحاد امامت و امارت، شیوه تعیین ریاست و ولایت؛ یا عینیت یافتن سیاست و دیانت در شخص واحد است، به گونه‌ای که این شخص واحد، متصدی امور و شئون دین، حاکم امور و روابط اجتماعی و دنیوی مردم نیز هست. مطابق این

دیدگاه قداست و کیاست درهم آمیخته می‌گردد به نحوی که اراده‌ای واحد هر دو حیث دنیا و آخرت را محوریت می‌نماید و در عین حال پرده از ناکارآمدی و بن بست رسیدن سایر حاکمیت‌ها و سازماندهی‌ها برمی‌دارد. اتحاد امامت و امارت تفکیک بین اداره دین و دنیا را برنمی‌تابد. به عبارت دیگر ولایت یک ولی یا یک والی مشروع بر جامعه دو شعبه امامت و امارت را درهم و با هم خواهد داشت. در این اصطلاح امامت، مدیریت امور دینی و امارت، مدیریت و فرماندهی امور سیاسی اجتماعی را به عهده دارد. و با اتحاد آن دو در متن «ولایت»، مدینه فاضله اسلامی، زیربنای خود را شکل خواهد داد. (قوامی، ۱۳۸۹: ش ۱۴) در روایات ظهور امام مهدی علیه السلام عبارت «امر جدید» در هفت حدیث ذکر شده است. که یکی از احتمالات قوی در مورد مراد از «امر جدید» همین اتحاد امامت و امارت می‌باشد. (ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۹، ۱۶۰)

نظارت و کنترل

یکی از وظایف اساسی مدیریت؛ نظارت و کنترل است که بدون آن تحقق اهداف مدیریت امکان‌پذیر نخواهد بود. به گونه‌ای که بدون توجه به این موضوع، سایر اجزاء مدیریت، مانند: برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری نیز ناقص بوده و تضمینی برای انجام درست آن‌ها وجود ندارد. منظور اساسی از نظارت و سنجش برنامه‌ها و فعالیت‌های سازمان‌ها و افراد، تدارک اطلاعات جهت بازخورد و در نهایت بهبود امور کارکنان است. امام رضا علیه السلام فرمود:

لَوْ لَمْ يَجْعَلْهُمُ امَامًا قِيمًا حَافِظًا مُسْتَوْدِعًا لَدَرَسَتِ الْمَلَّةُ وَ ذَهَبَ الدِّينُ وَ غَيَّرَتِ السُّنَنُ وَ الْأَحْكَامُ (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ۱۰۱؛ همو، ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۵۳).

اگر خداوند برای مردم امام و سرپرستی که زمام امور را به دست بگیرد و نظارت عادلانه داشته باشد قرار ندهد، نظام جامعه از هم می‌پاشد و دین از بین می‌رود و سنت‌ها و احکام الهی تغییر می‌یابد.

نظارت و کنترل امام مهدی علیه السلام در ساختار مدیریت حکومتی‌اش، نظارتی کامل و همه‌جانبه است و شامل تمامی فعل و انفعالات موجودات و انسان‌ها و دیگر مدیران تحت امر می‌باشد. نظارت ایشان به چند گونه است:

۱. امام، مظهر اسم حی الهی است و چون حیات مبدأ علم و قدرت است و علم خداوند شهودی است امام نیز ناظر اعمال امت و به همه کارهای آنان آگاه است. عرضه اعمال به پیشگاه امام گاه عرضه‌ای عمومی است که روزهای دوشنبه و پنجشنبه اعمال امت به حضورشان برده می‌شود و گاه عرضه دائمی و نظارت همیشگی است که با عبارات کل یوم و لیلۃ، (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ۲۱۹) کل صباح (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ۲۱۹) در روایات معصومان آمده

است و ناظر به دوام وقوف و نظارت امام بر اعمال امت است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۷۵)
 ۲. در برخی روایات آمده است که در مقام قضاوت مانند حضرت داود و سلیمان به علم خویش عمل می‌کند و نیاز به بینه ندارد. بدین شکل که خود معصوم شاهد است و نیاز به شاهد دیگری ندارد. امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهَمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيُحْكِمُ بِعِلْمِهِ وَيُخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ مِمَّا اسْتَبْطَنُوهُ وَيَعْرِفُ وَلِيَهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۸۶؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۹۲).

هنگامی که قائم قیام کند، میان مردم به شیوه داود قضاوت می‌کند، نیازمند بینه نیست. خداوند متعال به او الهام می‌کند و او به علمش حکم می‌کند و به هر گروهی، آن چه را در درون شان مخفی کرده‌اند، خبر می‌دهد و دوست را از دشمنش با نگاه به ظاهر و سیمایش می‌شناسد.

۳. در زمان حضرت بسیاری از اشیاء شاهدند و شهادت می‌دهند و اخبار نزد خود را گزارش می‌دهند.

فلا یبقی شیء مما خلق الله یتواری به یهودی إلا أنطقه الله عزوجل، لا حجر ولا شجر ولا دابة إلا قال: یا عبدالله المسلم هذا یهودی فاقتله؛
 یهودیان در گوشه و کنار و در پناه هر سنگ و درخت و جانور و چیز دیگری پنهان شوند؛ اما همه چیز به سخن آید و بانگ بردارد: ای بنده مسلمان خدا، این جا یک یهودی است، بیا و او را بکش.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

... حتی ان احدهم یتکلم فی بینه فیخاف ان یشهد علیه الجدار... (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۳۹۰؛ نجفی، ۱۴۲۶: ۱۱۲)؛
 و تا آن جا که بعضی از مردم هنگامی که درون خانه خود سخن می‌گویند، می‌ترسند دیوار بر ضد آنها شهادت دهد.

دستاورد نظارت حکومت امام مهدی علیه السلام را می‌توان در سه سطح خلاصه کرد: ۱. نظارت از خود؛ ۲. نظارت در خود؛ ۳. نظارت بر خود؛ این نظارت اخیر همان نظارت خود امام مهدی علیه السلام بر افراد و سازمان‌های تحت امرش می‌باشد که نظارت بسیار دقیق و خالی از ابهام و ابهام است. دلیل آن روایات فوق است که مورد اشاره واقع شد. امام قلب عالم امکان است و هیچ چیز از محضرش غایب نیست. نظارت نوع دوم (نظارت در خود) امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه

شریفه «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱) فرمود: این آیه مربوط به آل محمد ﷺ است. خداوند متعال، مهدی و اصحاب او را در مشارق و مغارب زمین حاکم می‌گرداند دین را پیروز می‌گرداند و به وسیله مهدی ﷺ و اصحاب او بدعت‌ها و باطل را زائل می‌کند پیروان باطل را هم زائل می‌کند تا اثری از ظلم نماند یاران مهدی امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و عاقبت امر از آن خداست (سرانجام دین خدا حاکم می‌شود) پس امر به معروف و نهی از منکر، خود، یک نظارت عمومی و همگانی می‌شود و به کسی فرصت و اجازه گناه یا جرمی را نمی‌دهد. در مورد «نظارت از خود» باید توجه داد که منظور، نظارت درونی است. بینش و باور تمام افراد به حدی ارتقاء می‌یابد که خود را در محضر خداوند متعال و ولی امر او می‌یابند و از این که بخواهند مرتکب امر ناشایستی شوند، به شدت پرهیز دارند. امام صادق ﷺ فرمود:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ حَرْفًا... (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۳۶).

محتوای این گونه روایات حاکی از افزایش چندین برابری علم و آگاهی افراد در سازمان و اجتماع عصر ظهور است. و بهترین نوع نظارت همین است که نظارت درونی تقویت شود تا نیاز به نظارت بیرونی نباشد. و روایات اسلامی اشاره به چنین دستاوردی در حکومت امام مهدی ﷺ دارد.

هدایت و رهبری

رهبری (در برخی از متن‌ها هدایت) یکی از پنج وظیفه اصلی مدیران محسوب می‌شود. (کونتز و همکاران، ۱۳۸۰: ۹۸) رهبری، هنر نفوذ بر مردم است، به نحوی که آنها به صورت داوطلبانه و از روی رغبت فعالیت‌های از پیش تعیین شده‌ای را در چارچوب اهداف معین سازمان انجام دهند. (397. Harold & Others) برخی از صاحب نظران، رهبری را بسیار فراتر از مدیریت می‌دانند و معتقدند که رهبران سازمان‌ها الزاماً مدیران سازمان‌ها نیستند. کوتاه آن که رهبری را فرآیند «نفوذ» و «هدایت» می‌نامند. از میان وظایف مدیریت، رهبری را باید از سه وظیفه سازماندهی، برنامه‌ریزی و نظارت که به آنها اشاره شد بالاتر دانست؛ چرا که باید هم نفوذ در افراد تحت امر خود داشته باشد و هم آنها را هدایت کند. (قوامی، ۱۳۹۳: ۱۵۳) هدایت، دو نوع است «ارائه طریق» و «ایصال الی المطلوب» در مضمون آیه شریفه «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه: ۶) همان ایصال به مطلوب است و خداوند این ایصال را بر خویش وظیفه می‌داند. «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى» (لیل: ۱۲). اما «ارائه طریق» را به انبیاء و اوصیاء واگذار کرده است

البته به اذن خویش. هدایت سازمانی از مقوله ارائه طریق است و از نوع هدایت تکوینی عامه؛ به این معنا که اداره و تدبیر امر، با امکانات خدادادی میسر می‌شود و اگر هدف سازمان با هدف الهی یکی شود ارائه و ایصال با هم محقق خواهند شد. امام باقر علیه السلام فرمود:

إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدَى لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرٍ خَفِيٍّ (ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳، ۵۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵۱، ۵۲)

مشابه این روایت از امام صادق علیه السلام نیز رسیده است:

لأنه يهدى إلى كل أمر خفي (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵۱، ۵۲).

مضمون مشترك این روایات این است که امام مهدی علیه السلام به صورت ویژه‌ای از جانب پروردگار متعالی هدایت خواهد شد؛ به گونه‌ای که چیزی از آن حضرت مخفی نمی‌ماند. بر اثر این هدایت ویژه است که می‌تواند عهده‌دار هدایت همه عالم شود، دین مقدس اسلام را عالم‌گیر کند و عدالت مورد انتظار را تحقق بخشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۳، ۲۴۳)

عنصر دیگر رهبری، «نفوذ» است و آن عبارت است از تاثیرگذاری بر افراد به طوری که با انگیزه درونی به سوی اهداف و مسیر و جهت تعیین شده حرکت کنند. و این امری نیست که با زور و ضرب به دست آید و با اکراه و اجبار حاصل نمی‌شود بلکه با میل و محبت و کشش درونی و جذب است. خداوند متعال در آیه ۹۶ سوره مریم بیان می‌نماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾

مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دل‌ها قرار می‌دهد.

یکی از بحث‌های مدیریت منابع انسانی، که در ادامه خواهد آمد، انتخاب و گزینش بهترین نیروها برای سازمان می‌باشد، (سعادت، ۱۳۸۵: ۱۱۹) که در اصطلاح آن را «گزینش اصلح» می‌نامند. حال اگر شخصی بخواهد مدیریت و رهبری عالم را بر عهده بگیرد باید از هر لحاظ که تصور شود باید اصلح باشد. گزینش اصلح، خود دارای فرایندی است که یکی از مراحل آن، کادرسازی یا به تعبیر قرآن کریم «اصطناع» می‌باشد.^۱ همچنین کادرسازی پروسه‌ای دارد که یکی از مهمترین مراحل آن محبوب‌سازی یا به تعبیر قرآن کریم «القاء محبت» می‌باشد.^۲

۱. اختیار (به گزینی)، جعل (به کارگماری) و اتخاذ (به کارگیری) مراحل دیگر فرایند گزینش می‌باشد.

۲. ابتلاء و امتحان (استعدادسنجی)، توجه و امتنان (پشتیبانی کامل)، نظارت و حفاظت و تداوم آن از کودکی (و بلکه جنینی) مراحل دیگر کادرسازی می‌باشد. (فرایند مذکور از آیات ۲۴ الی ۴۲ سوره طه قابل اخذ است.)

(قوامی، فقه‌النصب) خداوند متعالی در مورد حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید:

﴿الْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي﴾ (طه: ۳۹)؛

من محبتی از خودم بر تو افکندم.

معنای القای محبت، این است که خداوند او را طوری قرار داده بود که هر کس او را می‌دید دوستش می‌داشت، و قلبش را به سوی موسی جذب می‌کرد. به طوری که در خانه سرسخت‌ترین دشمنانش رشد یافت. همچنین در مورد حضرت یحیی می‌فرماید: ﴿وَخَنَانًا مِنْ لَدُنَّا﴾ (مریم: ۱۳) «حنان» به معنای شفقت و مهربانی است. رأفت خدا به یحیی و عشق او به خدا، مهر مردم به یحیی و محبت یحیی به مردم، پرتوی الهی است. از این رو خداوند متعالی است که باید رهبر خویش را در قلوب انسان‌ها قرار دهد. به همین ترتیب اگر خداوند متعالی بخواهد که ولی خود را در تمام دل‌ها نفوذ بدهد باید که محبتش را در تمام قلوب ساری و جاری سازد. با توجه به آیه شریفه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ (مریم: ۹۶) «نَزَلَ فِي عَلِيِّ علیه السلام لِأَنَّهُ مَا مِنْ مُسْلِمٍ إِلَّا وَاعَلِي فِي قَلْبِهِ مَحَبَّةٌ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۹: ج ۳، ۹۳) و در برخی روایات فرزندان حضرت را نیز اشاره نموده است. بنابراین مدیر و رهبری که قرار است عالم را اداره نماید، خداوند متعالی نسبت به القاء محبت قلبی ایشان در همه قلوب فروگذار نخواهد کرد.

محور دوم: دستاوردهای منابع انسانی حضرت

مدیریت منابع انسانی عبارت از فرآیند گزینش و انتخاب، ارزیابی، آموزش و پرورش، حقوق و دستمزد و انضباط و تشویق و تنبیه و پاداش اعضاء یک سازمان است. (سعادت، ۱۳۸۵: ۱) منظور از منابع انسانی، همه افرادی هستند که در ادارات و سازمان‌های دولتی اعم از کشوری و لشکری، مؤسسات غیردولتی بازرگانی یا صنعتی، مدارس و دانشگاه‌ها، روستاها و دیگر فعالیت‌های مؤثر در تولید ملی اشتغال دارند. (همان)

گزینش

از مهم‌ترین وظایف مدیریت منابع انسانی، جذب و به‌کارگیری افرادی است که بهترین بازدهی را در مجموعه کاری سازمان داشته باشند. گزینش، فرآیند غربال کردن متقاضیان شغل به منظور شناسایی و انتخاب مناسب‌ترین آنها برای استخدام می‌باشد. (Mondy, 1991, 301) گمان تصمیم‌گیرندگان بر این است که از این طریق پیش‌بینی کنند کدام متقاضی می‌تواند موفق شود. (Mondy, 1991, 198) آیا امام مهدی علیه السلام در گزینش

یاوران‌ش از طریق رایج (گمانه و تخمین) استفاده خواهد کرد؟

فرآیند گزینش

از آن جا که امام مهدی علیه السلام در روش مدیریتی حکومت خویش از کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله پیروی می‌کند. پس فرآیند گزینش نیز قرآنی خواهد بود. فرآیند گزینشی قرآن کریم را در قالب ذیل می‌توان تصویر کرد:

۱. **مرحله اجتناب:** اجتناب الهی به این معنا است که او را خالص برای خود سازد و از مذهب‌های مختلف جمع‌آوری نماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۲، ۵۳۰) قرآن کریم می‌فرماید: ﴿اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾ «اجتناب» از «جباية» به معنای جمع‌آوری و انتخاب و برگزیدن است (قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۷، ۴۰۶). در تفسیر قمی آمده است:

هم الأئمة الذين اجتباهم الله واختارهم (قی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۷۳).

۲. **مرحله اصطفاء:** عملیات تصفیه و پاکسازی فرد مورد گزینش. استعمال اصطفاء با حرف «علی» دلالت می‌کند بر استعلاء و علو مقام شخص برگزیده شده در مقابل مردم. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ج ۹، ۱۴۴) امامت و سیمت‌های الهی، بر اثر ویژگی‌هایی که دارد، جز به افرادی خاص داده نمی‌شود. خداوند متعالی برای این گونه سیمت‌ها، صفوه‌ها و برجسته‌های بشری را برمی‌گزیند. اصل کلی گزینش الهی که بین انسان‌ها و فرشتگان مشترک است، این گونه در قرآن کریم بیان شده است: ﴿اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ﴾ (حج: ۷۵)؛ بنابراین، حتی در میان فرشتگان، تنها برجستگان آنها مصطفای حق هستند. در آیه دیگری درباره خصوص انسان‌ها چنین آمده است: ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾ (انعام: ۱۲۴) در تفسیر فرات کوفی ذیل آیه آمده است: «اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فِهَذَا الْكُلِّ وَنَحْنُ الْمُصْطَفَوْنَ» (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۴۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۵۶۲).

۳. **مرحله اختیار:** که فرد مورد تمرکز و تصفیه شده را به عنوان خیر و بهترین برگزیند. اختیار از ماده «خیر» است که همان گزینش خیر و به‌گزینی است که می‌تواند به «گزینش اصلح» هم تعبیر شود. حضرت امیر المومنین علیه السلام در نامه‌ای به معاویه نوشت:

...نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ اخْتَارَنَا اللَّهُ وَاصْطَفَانَا... (ثقی، ۱۳۹۵: ج ۱، ۱۹۵).

۴. در مرحله آخر او را در منصب مورد نظر جعل می‌کند. راغب اصفهانی یکی از معانی پنج‌گانه جعل را «حکم نصب» می‌داند. (الاصفهانی، بی‌تا: ۱۹۶) آیاتی که در آنها واژه جعل با این معنا به کار رفته است دلالت بر نصب الهی می‌نماید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی به جابر

اهل بیت علیهم السلام را معرفی نمود و هجنین هفتمین فرزند امام باقر علیه السلام را مهدی نامید که عدالت را اقامه می‌کند. سپس آیه را تلاوت نمود «السَّابِغُ مَهْدِيهِمْ الَّذِي يَمْلَأُ الدُّنْيَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَجَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ...» (عاملی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۱۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۳۶، ۳۶۰) دستگاه گزینشی امام مهدی علیه السلام نیز چنین فرآیندی را در جذب سرمایه انسانی مورد لحاظ قرار می‌دهد.

فرآیند گزینش انبیاء و اولیاء حتی فرشتگان نیز بر این گونه سامان یافته است. از این رو شیوه امام مهدی علیه السلام در انتخاب نقباء و یاوران خویش بر اساس اجتناب و اصطفا مهدوی شکل خواهد گرفت. همراه امام صحیفه و نوشته مهر شده‌ای هست که شماره اصحاب و کلیه خصوصیات و ویژگی‌های یارانش، با اسم، نسب، شهر، شغل، زبان و القاب در آن نوشته شده است. (شافعی، ۱۴۰۰: ج ۲، ۱۸۵ و طبرسی، ۱۳۹۰: ۳۸۱ و صافی، منتخب الاثر، ۱۳۱) بیشتر یاران خاص حضرت در سن جوانی اند و بزرگسالان در میان آنان کم هستند. این یاران، دارای افکاری متحد و آرایبی یکنواخت بوده و دل‌های شان به هم پیوسته است. امام علی علیه السلام در این باره فرموده است:

إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ، أَوْ كَالْمِلْحِ فِي الرَّادِ، وَأَقْلَ الرَّادِ الْمِلْحُ (ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۵: ۳۱۶)؛

همانا یاران قائم همگی جوانند و پیر در میان شان نیست، مگر به اندازه سرمه در چشم یا به قدر نمک در توشه راه و کمترین چیز در توشه راه نمک است.

حضرت امیر علیه السلام در روایتی فرموده است:

من آنها را می‌شناسم و نام‌هایشان را می‌دانم... (مقدسی، ۱۳۷۶: ۹۵).

روشن است هسته اولیه یاوران امام کسانی هستند که مراحل سخت و طاقت فرسا را گذراندند. به طوری که به مرحله اجتناب رسیده‌اند. امام صادق علیه السلام در وصف ایشان فرمود:

آنان مردانی هستند که دل‌هایشان مانند پاره‌های آهن است، شکی در ایمان به خدا در آن راه نیافته و در طریق ایمان، از سنگ محکم‌تر هستند. اگر آنها را وادارند که کوه‌ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان برمی‌دارند. لشکر آن‌ها قصد هیچ شهری نمی‌کند، جز این که آن را خراب می‌نمایند. اسب‌های آن‌ها زین‌های زرین دارند و خود آن‌ها برای تبرک، بدن خود را به زین اسب امام می‌سایند. آن‌ها در جنگ‌ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می‌کنند و هر کاری داشته باشد برایش انجام می‌دهند. مردانی در میان آن‌ها هستند که شب‌ها نمی‌خوابند؛

زمزمه آن‌ها در حال عبادت، هم‌چون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغول‌اند و روزها سواره به دشمن حمله می‌کنند. فرمان برداری آن‌ها از امام، بیش از فرمان برداری کنیز از آقایش است. آن‌ها مانند چراغ‌های درخشان‌اند و دل‌هایشان هم‌چون قندیل‌های چراغ است. آن‌ها ادعای شهادت دارند و تمنا می‌کنند که در راه خداوند کشته شوند. شعار آنان این است: «یا لَنَارَاتِ الْحُسَيْنِ!» از هر جا می‌گذرند، رعب آن‌ها پیشاپیش آنان به اندازه یک ماه راه، در دل‌ها جای می‌گیرد و بدین‌گونه به پیش می‌روند. خداوند هم پیشرو به سوی حق و حقیقت را پیروز می‌گرداند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۰۸).

با ذکر این اوصاف نمی‌توان تصور کرد که آماده شدن ۳۱۳ نفر با چنین ویژگی‌هایی در یک مقطع و یا یک قرن میسر باشد. از این‌رو خداوند متعالی ناب‌ترین کارگزاران در عالم را جهت همراهی حضرت در نهضت جهانی‌اش گزینش و انتخاب نموده است و آنها را در یک شب کنار هم قرار می‌دهد.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (حدید: ۱۰).

ابن ابی‌یعفور می‌گوید:

شنیدم حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «وای به حال سرکشان عرب از امری که نزدیک است!» (ابن ابی‌یعفور می‌دانست که مراد از حادثه نزدیک، امر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است) پرسیدم: جانم به فدایت، چقدر از قوم عرب با حضرت قائماً هستند؟ فرمود: «افراد اندکی». عرض کردم: بسیاری از آنان، ولایت و قیام شما را توصیف می‌کنند. فرمود: «مردم‌گریزی ندارند، جز آن‌که باید پاك و خالص شوند و از هم تمیز داده شده، غربال شوند و مردم بسیاری از غربال خارج شوند. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۷۰؛ ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷: ۲۰۴؛ حلی، ۱۴۰۸: ۷۴)

بدون تردید امنیت اجتماعی، راه‌ها و بیست‌هایی که در عصر مهدوی در اخبار و روایات آمده است، ناشی از نظارت دقیق بر استخدام افراد در شغل‌ها و مناصب، به شمار می‌رود. ایشان استخدام افراد را مشروط به پذیرفتن شروط ذیل می‌داند. با تأمل در روایات یاوران مهدی و تنوع و تکثر ملیت‌ها، قبیله‌ها و رنگ‌های آنان از یک دستاورد مهم و اساسی در باب گزینش پرده برمی‌دارد که حاکی از یک نوع عدالت در سازماندهی است. عدم توجه به یک نژاد و قوم خاص در میان نیروهای حضرت بیانگر ملاک شایستگی و شایسته‌سالاری در امر پذیرش و

گزینش است. «شایسته‌سالاری» معیاری مبتنی بر عدالت است که معیارهای خویشاوندگرایی و رابطه‌گرایی و امثال ذلک را در گزینش کنار می‌نهد. به طوری که روایات زیادی اشاره به یاران آن حضرت از همه ادیان و اقوام دارند. یهودی، مسیحی، اصحاب کهف، یوشع بن نون، سلمان، ابودجانہ و مقداد و مالک اشتر و نیز فرشتگان الهی، جنیان، ایرانیان، عجم، که شامل هر نژاد غیر عرب می‌شود. حضرت امیر علیه السلام در روایتی شرایط استخدام را منوط به پذیرش شروط نمود: پس با امام به سمت صفا می‌روند و ایشان می‌فرمایند:

من با شما هستم به شرط آن که ولایت پذیر باشید، دزدی نکنید، زنا نکنید، قتل حرامی مرتکب نشوید، به سمت گناه و اعمال پست اخلاقی نروید، بی‌گناهی را نزنید، طلا و نقره‌اندوزی نکنید و اموال و خوراک عمومی مثل گندم و جو را احتکار نکنید، مال یتیم را نخورید، به آن چه نمی‌دانید شهادت ندهید، مسجدی را خراب نکنید، و مسلمانی را بد نشمارید و به او بدگویی نکنید، مومنی را جز آن که سزاوار باشد لعن نکنید، شراب نخورید، طلا و حریر و ابریشم نپوشید، معامله ربوی نکنید، خونی را به حرام نریزید، بر پناه‌جویی فریب نوزید، و کافر و منافقی را روی زمین باقی نگذارید، لباس خشن و زیر بپوشید، و ساده‌زیست باشید (کلوخ را متکای سر خویش قرار دهید)، و در راه خدا آن گونه که شایسته است جهاد کنید، دشنام ندهید، از نجاست و فساد بیزاری بجویید، به نیکی‌ها بخوانید، از بدی‌ها نهی کنید. (مقدس، ۱۳۷۶: ۱۳۹۵)

بعد از گزینش، نوبت به توانمندسازی می‌رسد. امام صادق علیه السلام توضیح می‌دهد که یاران مهدی دارای چنین ویژگی‌هایی هستند:

أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَأَنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبَيْرِ الْحَدِيدِ وَلَوْ مَرَّوًا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَطَعُوهَا (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۲۷، ۵۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۳۵۰).

امام سه ویژگی برای یاران مهدی بر می‌شمرد: اول این که یکی از آنها به اندازه چهل انسان قدرت دارد، دوم: این که قلب آنها، یعنی اراده، شجاعت و شهامت آنها، مثل آهن محکم و شکست‌ناپذیر است. سوم: این که اگر از کوه‌های آهن بگذرند آنها را در هم می‌شکنند. در روایت دیگری آمده است: امام صادق علیه السلام فرمود:

آن گروه که قائم هنگام قیام خویش با او کار می‌کنند، نجیبان، قاضیان، حاکمان شرع، فقیهان و دین‌شناسانی هستند که (برکت و) مسحه الهی یافته‌اند؛ به گونه‌ای که هیچ حکمی بر آنان اشتباه نمی‌شود.

کارمندان خاص حضرت که در روایات تعبیر به «نقباء» و «وزراء» مهدی شده‌اند در پرتو

تنعیم تعلیم امام خویش، به توانمندی جسمی و روحی دست می‌یابد که هیچ اشتباه و انحرافی در آن وجود ندارد. اینان علاوه بر توانمندی‌های مدیریتی قابل توجه، در دین‌شناسی و مسائل مربوط به اسلام تخصص دارند و از فقیهان و اسلام‌شناسان راستین هستند.

در مبحث ارزیابی عملکرد و تعیین شایستگی تنها وجود معیار کافی نمی‌باشد؛ بلکه باید ابزاری جهت تشخیص وجود این معیار وجود داشته باشد. خداوند متعال در قرآن کریم «ابتلاء» را به عنوان ابزار اصلی تعیین شایستگی معرفی نموده و می‌فرماید: (به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود:

من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم! ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند) (بقره: ۱۲۴) (قوامی، ۱۳۹۲: ۱۵۳).

با توجه به لیست یاوران امام مهدی علیه السلام اعم از فرشتگان الهی، جن‌ها، انبیاء، صلحاء و... که در روایات گسترده به آنها اشاره شده است. به این نتیجه می‌رسیم که نیروهای حضرت از کسانی هستند که امتحان خود را در گذشته پس دادند. و هر یک در زمان خود بر شدیدترین امتحانات فائق آمدند. داستان اصحاب کهف که در قرآن کریم آمده، نمونه بارز آنهاست. در روایات معصومین ع از آنها توصیف به «رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ أُسْدٌ بِالنَّهَارِ» (ابن طاووس، بی‌تا: ۱۳۷؛ نعیم، ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۴۵) و «أُولَىٰ بُأْسٍ شَدِيدٍ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۸۱) شده است.

نظام جبران، حقوق و دستمزد

تعیین میزان حقوق یا دستمزدی که سازمان باید به کارکنان خود بپردازد، از مهمترین جنبه‌های مدیریت منابع انسانی است؛ زیرا اولاً نظام پاداش (که حقوق و دستمزد، بخشی از آن است) تاثیر به سزایی در جذب و رضایت کارکنان و ایجاد انگیزه در آنان دارد. و ثانیاً پرداخت به کارکنان، از سنگین‌ترین هزینه‌هایی است که هر سازمانی باید برای پیشبرد و تحقق اهداف خود، متحمل شود. بنابراین، نظام حقوق و دستمزدی که به دقت طراحی شده و اجرای آن براساس سیاست‌ها و خط‌مشی‌های صحیح باشد، در سلامت اقتصادی سازمان و همچنین در به کارگیری درست و مؤثر نیروهای موجود در سازمان، نقش مهمی خواهد داشت. دستاورد نظام پرداخت حکومت امام مهدی علیه السلام (نظام ارتزاق خاص و عام) است. با این توضیح که

هدف همه انسان‌ها از تلاش و فعالیت روزمره این است اولاً: نیازهای مادی‌شان برطرف شود ثانیاً: امید دارند تا به نحو شایسته و بایسته (عادلانه) این امر صورت گیرد. با تشکیل حکومت مهدوی دو امر در این زمینه اتفاق می‌افتد.

۱. روایات زیادی که دلالت بر اجرای عدالت حضرت دارد. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

پس از ظهور مهدی هیچ حقی از کسی بر عهده دیگری نمی‌ماند، مگر آن‌که آن حضرت آن را می‌ستاند و به صاحب حق می‌دهد. (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۶ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۲۴)

۲. در سایه تشکیل حکومت عدل مهدوی، احادیث گسترده‌ای دلالت بر آشکار شدن گنج‌های درونی زمین دارد. «تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّىٰ يَرَاهَا النَّاسُ عَلَىٰ وُجْهِهَا» (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۸۱) در برخی روایات هر دو امر ذکر شده است. «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجُورُ وَآمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَرُذِّ كُلُّ حَقٍّ إِلَىٰ أَهْلِهِ...» (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۸۴) در واقع برکات امام مهدی علیه السلام اولاً منابع تولید در حد وفور در دسترس همه قرار می‌گیرد. ثانیاً: توزیع سرمایه و بیت‌المال به صورت عادلانه بین همه افراد، سبب می‌شود تا هیچ فقیری پیدا نشود تا به او صدقه بدهند. و این همان «ارتزاق عام» است. البته اگر در شرایطی که نیاز شخص، بیش از میزان دریافتی‌اش باشد، علاوه بر آن که خود مردم به خاطر تکامل روحی، او را بی‌نیاز می‌کنند، از باب «ارتزاق خاص»، امام مهدی علیه السلام او را از منابع دیگر مانند بیت‌المال بی‌نیاز می‌کند. از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

... وَ يُعْطَى النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ وَيَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَيَسْوَى بَيْنَ النَّاسِ حَتَّىٰ لَا تَرَىٰ مُحْتَاجًا إِلَىٰ الرِّزْقَةِ... (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۹۰)؛

امام در سال دو بار به مردم عطا می‌کند و در هر ماه، دوبار به آنها رزق می‌رساند و چنان میان مردم، مساوی توزیع می‌کند که کسی را نیازمند زکات نمی‌بینی...

در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آمده است که در زمان حکومت مهدی منادی ندا می‌دهد: هان، ای مردم! هرکس نیاز مالی دارد بیاید و هر چه نیاز دارد بگیرد. و جز یک نیازمند، کسی نمی‌آید. همو هم پیشیمان می‌شود و زمانی که می‌خواهد به خزانه برگرداند، خزانه‌دار آن را پس نمی‌گیرد. (الهیثمی، ۱۳۸۵: ۱۰۲ و طبری، ۱۴۱۳: ۴۷۲) هرچند که ارتزاق عام و خاص در حکومت حضرت بین افراد سازمان و غیر سازمان تفاوتی ندارد؛ چرا که عدالت و دادگستری حضرت سرتاسر گیتی را پوشانیده است. اما نباید از این نکته در مورد افراد سازمان حضرت

مهدی غفلت نمود که از ایشان در چند مورد بیعت گرفته تا آنها را گزینش نموده است. از جمله این که «و لا تکنزوا ذهباً و لا فضّه، و لا تلبسوا الذهب و لا الحریر و لا الدیاج، و لا تبیعوها رباً، تلبسون الخشن من الثیاب، و تتوسدون التراب علی الخدود» (مقدسی، ۱۳۷۶: ۹۵) مضافاً بر این که سیره مدیریتی ایشان همان سیره پیامبر اعظم ﷺ، و حضرت امیرالمومنین علیؑ است:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يَقْدِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِصَعْفَةِ النَّاسِ، كَيْلَا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ (صبحی صالح، بی تا: ۳۲۴)؛

خداوند بر پیشوایان حق و عدالت واجب کرده که بر خود سخت بگیرند و همچون افراد ضعیف مردم زندگی کنند تا فقر، آنها را به طغیان و سرکشی (در برابر فرمان خدا) وادار نکند.

در واقع «ائمه العدل» همان کارگزاران و مدیران عالی حکومت امام مهدی ﷺ هستند. بر اساس این منطق، افراد عادی در بهره‌گیری از مواهب حیات به صورت معتدل و دور از اسراف و تبذیر آزادند تا ارتزاق نمایند؛ ولی پیشوایان و امرای حکومت اسلامی باید به زندگانی ساده، همچون زندگانی ضعفای اجتماع روی آورند. تا مایه آرامش و تسکین برای قشرهای محروم گردد و در فشار غم و اندوه به سر نبرند و سر به طغیان بر نیاورند. هرچند در آن زمان فقری پیدا نمی‌شود اما در عین حال کارگزاران مامور به ساده زیستی هستند.

محور سوم: دستاوردهای رفتار سازمانی حضرت

هدایت و کنترل و تغییر رفتار کارکنان سازمان از طریق مطالعه منظم فرد و گروه و فرآیند سازمانی به هدف اثر بخشی سازمان و رشد فرد در سازمان محصول و ثمره مدیریت رفتار سازمانی (و روابط انسانی) در سازمان ایجاد انگیزش در کارکنان و کارگزاران است. (سعادت، ۱۳۸۵: ۳-۶)

انگیزش

از کارکردهای اصلی رهبری سازمانی در مدیریت رفتار، ایجاد انگیزش است که از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین امور مدیریتی است. انگیزش، یک مفهوم وسیع است. این مفهوم چندین واژه دیگر را که توصیف کننده عوامل مؤثر در انرژی و هدایت رفتار انسان است نظیر: نیازها، علایق، ارزش‌ها، گرایش‌ها، اشتیاق‌ها و مشوق‌ها را دربرمی‌گیرد. (گیج و برلایندر، ۱۳۷۴: ۴۷۰) انگیزش، دلایل رفتار افراد را نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که چرا آنها به روشی خاص رفتار می‌کنند. رفتار دارای انگیزه، رفتاری همراه با انرژی، جهت دار و دنباله دار است. (سانتراک،

۱۳۸۵: ۵۸۰) در فرهنگ مهدوی، باورها و ارزش‌ها مبنای رفتار هستند. به عبارت دیگر، رفتارهای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی با علت‌های ارزشی و اعتقادی و اخلاقی ناشی از شخصیت و انگیزه خاص صورت می‌گیرد. بنابراین مهمترین متغیرهای انگیزشی در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام باورهای دینی، برخورد عادلانه، تامین نیازهای مادی، جذابیت هدف است.

۱. در جریان قیام حضرت تعداد یاوران حضرت مهدی به اندازه اصحاب بدر هستند، «سَأَلَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ كَمْ يُخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ عليه السلام فَإِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهُ يُخْرُجُ مَعَهُ مِثْلُ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۵۴) خداوند متعال بدین شکل انگیزش یاوران مهدی را بالا می‌برد. «نَصْرَكُمْ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ» در قیام مهدی علیه السلام نیز شما را یاری می‌دهیم. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ» (فتح: ۴) امام صادق علیه السلام فرمود «حَتَّى يُؤَيِّدَهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادِ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالرُّعْبَ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۹۸) در روایتی دیگر از ایشان آمده است «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام نَزَلَتْ مَلَائِكَةُ بَدْرِ وَهُمْ خَمْسَةُ آلَافٍ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۴؛ حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ۱۶۵) از مجموع روایات این سنخ این نتیجه حاصل می‌شود که اولاً: تعداد نیروهای امام همان نیروهای حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در بدر است، ثانیاً: ملائکه و تعدادشان، همان ملائکه جنگ بدر هستند. ثالثاً: نیروهای بدر، قدرت و توان شان افزوده شد. نیروهای امام مهدی علیه السلام نیز هر کدامشان به اندازه چهل مرد جنگی توان شان افزوده می‌شود. «يُعْطَى الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا» (نجفی، ۱۳۶۰: ۱۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۸۶) خداوند در جنگ بدر وعده پیروزی داد و همین طور شد. آیات نورانی و روایات معصومین ع نیز وعده فتح و پیروزی داده شده است.

۲. یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین متغیرهای انگیزش، برخورد عادلانه با افراد است. پیامبر اعظم، در باب ایجاد انگیزه در مورد کسانی که عصر ظهور را درک می‌کنند فرمود: «أُبَشِّرُكُمْ بِالْمُهْدِيِّ... يَنَالُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلَّتْ جُورًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ» (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۷۸) حضرت مهدی علیه السلام آن چنان عدالتی را پایه‌ریزی می‌کنند که همه زندگان آرزو می‌کنند تا مردگان شان بیابند و آن را ببینند. «يُظْهِرُ مِنَ الْعَدْلِ مَا يَتَمَنَّى لَهُ الْأَحْيَاءُ أَمْوَاتِهِمْ» (ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۴۳۶) از قرار معلوم عدالت مهم‌ترین عامل انگیزشی حضرت در کل کرهٔ خاکی می‌باشد. از باب توجه و تأکید روایات کثیر مبنی بر برپا نمودن عدالت و قسط در زمین می‌توان به نتیجه فوق دست یافت. از همه مهم‌ترین که نه تنها اهل زمین که از ادیان و نحله‌های متفاوت اند بلکه اهل آسمان نیز از این عدالت راضی و خرسندند. «يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ

السَّمَاءِ وَالظَّيْرِ فِي الْجَوِّ وَالْحَيْثَانُ فِي الْبَحَارِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۶، ۲۱۹) موضوع عدالت و اجرای آن علاوه بر این که یکی از نیازهای اساسی و فطری انسان در طول تاریخ بوده است در عصر ظهور مهدی دیگر از عنوان و اجرای آن خبری نیست به طوری که همه عالم تشنه چنین آب گوارایی هستند. ظلم و جور و نرسیدن افراد به حقوق خویش عامل مؤثری در کاهش انگیزش افراد است. حضرت مهدی علیه السلام با اجرای فراگیر عدالت گام مهمی در رضایت سازمانی و غیر سازمانی و بالا بردن انگیزش افراد برمی دارند.

۳. تامین نیازهای مادی افراد یکی دیگر از متغیرهای اثربخش در افزایش انگیزش محسوب می شود. امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا دَخَلَ طَعَامَ سَنَّتِهِ حَفَّ ظَهْرُهُ وَاسْتَرَاحَ» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۵۶۹، ۹) انسان وقتی که خوراک سال خود را ذخیره کند، پشتش از بار زندگی آسوده خاطر و فارغ البال می شود. شهید مطهری معتقد است اگر نیازها، میل ها و انگیزه های انسان به خوبی و درستی شناخته و ارضا شوند، سلامت و تعالی و کمال را به وجود می آورند (مطهری، بی تا: ۱۸۳). این در حالی است که قسمت قابل توجهی از زندگی و حیات انسان را نیازهای مادی تشکیل داده است. در سایه اجرای عدالت فراگیر امام مهدی علیه السلام که رضایت آسمان و زمین را هم بدنبال دارد، شاهد بارش گنج ها و معادن آسمانی و زمینی هستیم. امام صادق علیه السلام فرمود: «يُسَوِّقُ اللَّهُ تَعَالَى بِه بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَيَنْزِلُ السَّمَاءَ قَطْرَهَا وَيَخْرُجُ الْأَرْضُ بَدْرَهَا» (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۸۸ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۱۴۶) در جایی دیگر فرمود: «تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا» (مفید، ۱۴۱۳: ج ۳۸۱، ۲) انسان ها علاوه بر اجر و مزدی که در قبال ارائه خدمات بهره مند می شوند و جایی که متاعی را می فروشند از وجه آن منتفع می گردند. همچنین از بیت المال مسلمین به صورت عادلانه برخوردار می گردند. بخشش هایی حضرت دارند (رزق) که بدون حساب و کتاب است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شخصی نزد (مهدی) می آید در حالی که مال در نزدش هست، می گوید: ای مهدی! به من عطاء کن. می گوید: بردار (و او هر اندازه که می خواهد برمی دارد). (نعمانی، ۱۳۹۷: ۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۶، ۲۸۱) همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایت دیگری فرمود:

در زمان مهدی علیه السلام، امت چنان رفاهی خواهند داشت که مانند آن را هیچ گاه نداشته اند. (القزوی، ۱۳۹۵: ج ۲، ۱۳۶۶؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ج ۴، ۶۰۱)

آن چه که از محتوای روایات این دسته به دست می آید این است که کسی در عصر ظهور دغدغه مالی نخواهد داشت و آن آرامش خاطر در روایت امام رضا علیه السلام در آن عصر تحقق پیدا خواهد کرد.

۴. جذابیت اهداف: در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام سخن از گسترش ارزش‌های انسانی و توسعه عدالت اجتماعی به منظور دست‌یابی بشر به کمال و سعادت واقعی است. از آن‌جا که وصول به این اهداف تنها با ضرب و شمشیر میسر نیست بلکه درک و فهم انسان‌ها نسبت به بینش‌ها و ارزش‌های حقیقی بسیاری از آنها را به سوی اهداف متعالی سوق می‌دهد. امام صادق علیه السلام فرمود: «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۳۶؛ طبری، ۱۴۲۷: ۱۰) علم و دانش بیست و هفت حرف (بیست و هفت شعبه و شاخه) است؛ تمام آن‌چه پیامبران الهی برای مردم آوردند دو حرف بیش نبود، و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف (بیست و پنج شاخه و شعبه) دیگر را آشکار می‌سازد؛ و در میان مردم منتشر می‌سازد؛ و دو حرف را به آن ضمیمه می‌کند تا بیست و هفت حرف کامل و منتشر گردد. حدیث دیگری که از امام باقر علیه السلام نقل شده، معنی حدیث فوق را تکمیل می‌کند:

اذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد، فجمع بها عقولهم و كملت بها احلامهم (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۲، ۶۷۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۶۷۵)؛
هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آنها را با آن کامل و افکارشان را پرورش داده تکمیل می‌کند.

انسانی که در تا عصر ظهور بخشی از دو قسمت علوم را فرا گرفته است در مدت زمان اندکی علم و دانشش دوازده برابر می‌گردد، آن هم از علوم مفید و حقیقی که به معرفت، شناخت و بصیرت شخص کمک می‌کند. این تحول عظیم علمی در سایه عنایت امام مهدی علیه السلام که در زیارت‌نامه شیعی به «صاحب التدییر» خطاب گشته است، رخ خواهد داد. به نظر می‌رسد اگر جنبه‌های دیگر انگیزشی جز این مورد وجود نمی‌داشت، برای شخص کافی بود تا خود انگیخته و تحریک به سمت رفتار مطلوب شود.

محور چهارم: دستاوردهای فرهنگ سازمانی حضرت

تقریباً بیشتر پژوهش‌گران نظرشان در مورد فرهنگ سازمانی به عنوان مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، عقاید، فرضیات و هنجارهای مشترك حاکم بر سازمان رقم خورده است. یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های دائمی مدیران، شیوه هماهنگ‌سازی همه فعالیت‌های سازمان برای وصول به یک برونداد و پیامد مشترك در جهت اثربخشی سازمان است. بی‌تردید با شتاب تحولات در حوزه فناوری در عصر ارتباطات، فرهنگ نیز دستخوش تحول شده و این روند تا

سرحد تضاد با فرهنگ‌های سنتی پیش خواهد رفت. کسی به قطع نمی‌داند در آینده چه اتفاق می‌افتد. اگر روایات ناظر به حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام نبود، تشخیص این که سرانجام چه فرهنگی غلبه خواهد کرد، کاری محال بود. مضمون دیدگاه نظریه پردازان غربی در مورد تکامل فرهنگی جنبه مادی و تکنولوژیکی دارد اما جنبه‌های دیگر انسانی را نادیده می‌انگارد. به نظر می‌رسد در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام برای نیل به فرهنگ واحد مطلوب و متکامل هم عناصر تشکیل دهنده و هم ابزار آن متفاوت است. حضرت از میان ابزار، علم و قدرت را برای نهادینه کردن فرهنگ مطلوب و از میان عناصر، عبودیت و عدالت را برای عالم استفاده می‌کند که دستاورد فرهنگ سازمانی حضرت «معنویت» است.

تصور مردم شناسان و فرهنگ پژوهان بر این قرار شکل گرفته است که تغییر فرهنگ یک فرآیند طولانی و زمان بر است. واقع مطلب نیز همین نظر را تایید می‌کند. اما تشکیل حکومت امام مهدی علیه السلام و نهادینه کردن فرهنگ مهدوی و معنوی خویش با تکیه بر اماددهای الهی است لذا پروسه زمانی در فرآیند آن معنا ندارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

المهدی منّا أهل البيت يصلح الله له أمره في ليلة (صدوق، ۱۳۹۵: ۱۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۸۰؛ الهندی، ۱۳۹۷: ج ۱۴، ۲۹۴؛ الشیبانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۱۸۳).

حتی در روایات زیادی اشاره دارد که اگر از عمر دنیا یک روز بیشتر نباشد خداوند آن را به اندازه‌ای طولانی می‌کند که حضرت فرهنگ عبودیت و عدالت را پیاده نمایند. (صدوق، ۱۳۹۵: ۳۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۵۱۶؛ الراوندی، ۱۴۱۱: ج ۳، ۱۱۷۱؛ القمی، ۱۴۰۱: ۲۷۶؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۴۲) خداوند متعال در هر برهه‌ای که اراده می‌کند فرهنگ خویش را - که به فراموشی سپرده شده بود - احیاء نماید. از مدیران و رهبران توانمند استفاده می‌کند. در حقیقت هدف از قدرتی که خداوند به رهبرانش اعطاء می‌نماید برای خدمت به مردم و کسب رضای خالق است و این همان شعار راهبردی است که «قدرت برای خدمت» و نه «خدمت برای قدرت». (قوامی، ۱۳۹۲: ۲۴۵) روایات دال بر «صاحب سیف»، یا «قتال»، «ضرب اعناق» همگی استعاره از قدرت و توانمندی سازمانی است. بیانگر این نیست که حضرت شخصی خشونت طلب و خون ریز است؛ چرا که مدیر الهی یکی از خصوصیاتش امین بودن است و جان، مال و عرض افراد امانت در دستان او هستند. از مجموع روایات روشن می‌گردد که ایشان بعد از دانش افزایی افراد، اقامه بینه و حجت، مناظره، مباحله، افرادی که عدالت پذیر نیستند و هم چنان به دنبال فتنه هستند و عناد می‌ورزند؛ حضرت نسبت به ایشان مدارا و تسامح نخواهد داشت. تعبیر «فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ، جَاءَ بِأَمْرٍ غَيْرِ الَّذِي كَانُ» بیانگر همین نکته

است که ایشان در مقابل فتنه‌گران و معاندان با خوف و تقیه برخورد نخواهند کرد حتی برخی روایات دلالت دارد بر این که جزیه هم مانند عهد رسول الله طلب نخواهد کرد. ابزار علم و آگاهی نقش به‌سزایی در استحکام فرهنگ مهدوی دارد. از این رو امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَعَّ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُوبَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ؛
هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آنها را با آن کامل و افکارشان را پرورش داده تکمیل می‌کند.

یا امام صادق علیه السلام فرمود:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا...

امام مهدی علیه السلام هم درک و فهم انسان‌ها را توسعه می‌دهد و هم دانش آنها را در واقع ظرف و مظروف در مدت کوتاهی دوازده برابر می‌گردد. نه برای قشر یا قبیله خاصی. بلکه برای همه افراد؛ زیرا در غیر این صورت تحقق فرهنگ مطلوب جهانی بعید به نظر می‌رسد.

فرهنگ عدالت

موضوع روایات اسلامی زیادی تحت عنوان «الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» آمده است. عین این تعبیر در بسیاری از احادیث که در منابع شیعه و اهل سنت آمده دیده می‌شود. در اهمیت و ضرورت فرهنگ عدالت در اجتماع و سازمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، فرمود:

عَدْلٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً قِيَامٌ لَيْلَهَا وَصِيَامٌ نَهَارُهَا وَجُورٌ سَاعَةٌ فِي حُكْمٍ أَشَدُّ وَأَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَعَاصِي سِتِّينَ سَنَةً (شعیری، بی تا: ۱۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۵۲، ۷۲)؛

یک ساعت عدالت ورزیدن، بهتر از عبادت یکسال است که شب‌هایش به قیام و روزهایش به روزه بگذرد و ساعتی ستم کردن در حکومت و مدیریت در نزد خداوند، بدتر از گناهان شصت ساله است.

این که یکی از اهداف حکومت امام مهدی علیه السلام نهادینه کردن عدالت به جای ظلم بیان شده است، چون توجه دارد که دوام و بقا حکومت الهی در سایه عدالت است. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عدالت را مایه قوام و استحکام جامعه و ظلم را عامل شکست ملت می‌داند: العدل قوام البرية؛ الظلم بوار الرعية؛ و نیز فرمود: «بالعدل تتضاعف البركات» و نیز در نامه معروفش به مالک اشتر عدالت را برای رهبر، با ارزش‌ترین متاع و سرلوحه برنامه حکومت

می‌خواند. ایشان در کلمات قصار فرمود: «مَا خُصِّنَ الدُّوْلُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ» یا «إِعدِلْ تَدوم لك القدرة» عدالت طلب باش تا قدرت برایت پایدار باشد. «الْعَدْلُ نِظَامُ الْإِمْرَةِ» عدل نظام بخش مدیریت و امارت است. عدالت عنصری است که در همه محورها و عرصه‌های مدیریت باید لحاظ گردد. از جهت اهمیت رعایت آن جزء اصول دین شمرده شده است. آیت‌الله جوادی می‌نویسد:

در دین اسلام دو اصل توحید و عدالت، شالوده شاکله وجودی انسان و جامعه قرار داده شده است و تا فرد و جامعه انسانی با این دو اصل فطری همراه و همگام باشد، جاودانگی و شکوفایی آن قطعی، وگرنه سقوط آن حتمی است، بنابراین فراموشی این دو اصل با خاموشی چراغ زندگی در حیات فردی و اجتماعی مرادف است و روشنی آن، در پایبندی و تعهدسپاری به آن است. (آملی، ۱۳۸۸: ۲۰۷)

آن چه که در فهم فرهنگ عدالت موثر است:

۱. عدل از اصول دین است: «وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ» (شعراء: ۲۰۹) و «وَلَا يُظَلَّمُونَ تَقِيرًا» (نساء: ۱۲۴)
۲. عدل عام مورد فرمان خداست: «إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرِ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...»
۳. عادل، شایستگی امامت دارد: «قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴)
۴. عدل، محور نظام کیهانی است: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ»
۵. درباره عدل جوینی پیوند عالم و آدم چنین آمده است: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا...»
۶. کسی که مخالف عدالت‌گستری است، خداوند، دشمن او خواهد بود: «وَأَشْهَدُ أَنَّهُ عَدْلٌ عَدَلٌ...»، «مَنْ ظَلَمَ عَبْدًا لِلَّهِ كَانَ اللَّهُ حَصْمَهُ»

رعایت عدالت در هر چیزی و هر شخصی مرهون اطلاع کامل از صدر و ساقه سیر هستی اوست، زیرا نگاه به انسان از منظر یک متفکر مادی با نگرش به وی از دیدگاه یک مدیر الهی تفاوت فراوان دارد. در روایات معصومان علیهم‌السلام تصریح شده است که میزان عدالت در جامعه به رتبه عدالت افراد برمی‌گردد و عدل محوری اشخاص نیز به میزان تقوای آنان سنجیده می‌شود، چنان که به قدر ترس از خداوند، آدم از ظلم فاصله بیشتری دارد و هر اندازه در زندگی فردی بدان اهتمام ورزد، به همان مقدار عدالت در جامعه ظهور و تجلی می‌یابد، پس عدالت اجتماعی میوه درخت عدالت فردی است. امام مهدی علیه‌السلام به عنوان حجت و آینه الهی در روی زمین برای احیاء انسان‌ها ظهور می‌کند تا آن چه که در فطرت افراد مدفون شده، پدیدار نماید. پس حیات جامعه و زمین به تحقق عدل و مرگ آن به ظلم است. ذیل آیه شریفه «اعلموا أنَّ

الله يحيى الأرض بعد موتها قد بينا لكم الآيت لعلكم تعقلون» (حدید: ۱۷) امام صادق علیه السلام فرمود منظور از حیات بعد از موت: «العدل بعد الجور» است.

فرهنگ عبودیت

راغب در مفردات می نویسد: «عبودیت اظهار تذلل و عبادت نهایت تذلل است.» (الاصفهانى، ۱۴۱۲: ۳۱۹) براساس آن چه از آیات و روایات استفاده می شود، یگانه راه رسیدن به چنین کمالی «عبودیت» است: «ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) جن و انس را نیافریدم جز برای آن که مرا عبادت کنند. عبودیت الهی هدف نهایی خلقت انسان، بوده است. واژه «عبادت» در این جا غیر از آن اصطلاحی است که در فقه به کار می رود. عبادت یعنی انسان همه کارها و رفتارهای اختیاری خود را به انگیزه اطاعت خداوند، برای رضای او و «قربۀ» الی الله انجام دهد. رسالت مشترك پیامبران ایجاد، گسترش و تعمیق روح عبودیت در میان مردم و پرهیز دادن آنان از عبادت غیر خدا بوده است:

به راستی در میان هرامتی پیامبری برانگیختم [تا اعلام کند] که خدا را عبادت کنید و از طاغوت بپرهیزید. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷، ۳۶۷)

اما آن چه که فرهنگ عبودیت را تشکیل می دهد مجموعه ویژگی های عابدان است که در آیات و روایات متعدد ذکر شده است.

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾ (انبیاء: ۷۳).
﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمُعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (حج: ۴۱).

آیات فوق به دنبال فرهنگ سازی عبادت در اجتماع و سازمان است آن چه از این آیات به ویژه آیه اخیر پیرامون فرهنگ عبادت و بندگی به دست می آید از قرار ذیل است (قوامی، ۱۳۹۲: ۲۶۴).

۱. سازمان مشروع که از خداوند متعالی قدرت می گیرد، اعمالش روح عبادی دارد.
۲. اعمالش طبق آیه فوق عبارتند از اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر.
۳. همه اعمال فوق در لیست معروف فروع دین هستند، که لیست عبادات است.
۴. عبادیت عبادت به قصد قربت و اخلاص است.
۵. این عبادات اولیه در نظام مومنین از جامعیت خاصی برخوردار است. معنوی

اقامه نماز، اقتصادی (پرداخت زکات)، اجتماعی و سیاسی (امر به معروف و نهی از منکر)

۶. امر و نهی، سازنده اصلی يك سازمان است

این چهار عرصه، عبادت است یعنی تمام اقدامات سازمانی مومنان قربی و عبادتی است. و این همان «فرهنگ عبودیت» است که مبنای کلیه اعمال و رفتارهای سازمانی است امام سجاده فرموده است مساله عبودیت الهی به نحو شایسته اش توسط امام صورت می‌گیرد و الا اگر امام نباشد زمین اهلس را در بر می‌گیرد. «لَمْ تَخُلْ الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ وَلَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ فِيهَا وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يَعْْبُدِ اللَّهُ» (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۱، ۲۷) وجود امام مهدی علیه السلام هم صراط مستقیم است که در نماز و نیایش از خداوند درخواست می‌کنیم. «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه: ۶) صراط مستقیم، همان دین قیم الهی است که عهده‌دار هدایت انسان هاست: «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» (انعام: ۱۶۱) از آن جا که تبلور این دین در عبودیت و بندگی پروردگار عالم و تسلیم شدن در برابر اوست، صراط مستقیم به عبودیت نیز تفسیر شده است. «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (آل عمران: ۵۱) در روایات نیز بر امام معصوم علیه السلام «صراط مستقیم» اطلاق شده است: «و الله نحن الصراط المستقیم»، (الحویزی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۱) «علی هو الصراط المستقیم» (همان) «الصراط المستقیم أمير المؤمنين». (همان) به نظر می‌رسد که طی طریق سعادت به جز عبودیت، راه دیگری ندارد، و این طریق تنها با قرار گرفتن در صراط مستقیم است و «صراط مستقیم» هم امام است. روشن است که حاکم شدن فرهنگ عبودیت به معنای تاملش در زیر سایه حکومت عدل مهدوی پدیدار می‌گردد. اما این نمی‌رساند که نباید از حکومت اسلامی مبتنی بر عدل و عبادت دست برداشت و زمینه ظهور ایشان را فراهم نکرد.

افراد این دولت کریمه را از هر ظلم و ستمی در امان نگه می‌دارد؛ آن چنان که در پرتو فرهنگ عدالت محور وی، دشمنی‌ها به دوستی، اختلاف‌ها به صلح و کینه‌ها به محبت تبدیل می‌شود. صفا و مهر نه تنها میان بشر بلکه بین حیوانات نیز جاری می‌گردد و میوه شیرین امنیت عمومی، محصول عدالت‌گستری حکومت مهدوی خواهد بود،

نتیجه‌گیری

ارزیابی یافته‌های این مقاله از دستاوردهای مدیریتی امام مهدی علیه السلام نشان می‌دهد که مهم‌ترین آثار و نتایج آن در محور اول: نظم، و در محور دوم: رشد، و در محور سوم: انگیختگی

و در محور چهارم: معنویت که ملهم از سیره مدیریتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، و حضرت امیرالمومنین علیه السلام می باشد، استفاده شده بود. به علاوه، وجود این دستاوردها بیانگر رشد کیفی بیش از حد نسبت به زمان مشابه در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله است که به خاطر وجود موانع در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، و حضرت امیر علیه السلام بوده است. اگر چنانچه مدیران معاصر و حاضر ما هر اندازه نظام مدیریتی خویش را با سیره مدیریتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، و اولاد معصومش علیهم السلام از جمله امام مهدی علیه السلام نزدیک نمایند، همان دستاوردها را در مقیاس و معیار خود بدست خواهند آورد. روح سازمانها در فرهنگ سازمانی است و همان طور که اشاره شد روح فرهنگ سازمانی امام مهدی علیه السلام در فرهنگ عدالت و عبادت قرین یافته است که حاصل تکوین و تکامل معنویت است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن بطريق، يحيى بن حسن، عمدة عيون صحاح الأخبار فى مناقب إمام الأئمة عليه السلام، قم: نشر الاسلامى، ١٤٠٧ق
- ابن حيون، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فى فضائل الأئمة الاطهار عليهم السلام، قم: جامعه مدرسين، ١٤٠٩ق
- ابن شهر آشوب، محمد بن على، مناقب آل ابى طالب عليهم السلام، قم: علامه، ١٣٧٩ش
- ابن طاووس، الملاحم والفتن، تهران: اسلاميه، بى تا
- الاربلى، على بن عيسى، كشف الغمة فى معرفة الأئمة عليهم السلام، بيروت: الكتاب، ١٤٠١ق
- بحراني، سيدهاشم، البرهان فى تفسير القرآن، قم: مؤسسه بعثه، ١٣٧٤ش
- بهاء الدين نجفى، على بن عبدالكريم، منتخب الأنوار المضيئة فى ذكر القائم الحجة عليه السلام، قم: دليل ما، ١٤٢٦ق
- بيتس، دانيل، انسان شناسى فرهنگى، ترجمه: محسن ثلاثى، تهران: علمى، ١٣٨٧ش
- تميمى آمدى، عبدالواحد، غرر الحكم ودرر الكلم، قم: دارالكتب الاسلامى، ١٤١٠ق
- توسلى، غلامعباس، نظريه هاى جامعه شناسى، تهران: سمت، ١٣٨٢ش
- ثقفى، ابراهيم بن محمد، الغارات، تهران: انجمن آثار ملي، ١٣٩٥ق
- جوادى آملی، عبدالله، جامعه وقرآن، قم: اسراء، ١٣٨٨ش
- _____، ادب فنای مقربان، قم: اسراء، ١٣٨٨ش
- _____، امام مهدي عليه السلام موجود موعود، قم: اسراء، ١٣٨٩ش
- الجوينى، ابراهيم بن محمد، فرائد السمطين فى فضائل المرتضى والبتول والسبطين والأئمة من فريتهم عليهم السلام، بيروت: مؤسسة المحمودى، ١٣٩٨ق
- حاكم نيشابورى، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١١ق
- حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بيروت: اعلمى، ١٤٢٥ق
- حقيقى، محمدعلى وديگران، مديريت رفتار سازمانى، تهران: ترمه، ١٣٨٢ش
- حلى، رضى الدين بن يوسف، العدد القوية لدفع المخاوف اليومية، قم: كتابخانه آية الله مرعشى النجفى، ١٤٠٨ق
- الخزاز القمى، على بن محمد، كفاية الاثر فى النص على الأئمة الاثنى عشر، قم: بيدار، ١٤٠١ق
- رابينز، استيفن، تشورى سازمان، ترجمه: سيدمهدي الوانى و حسن داناى فرد، تهران: صفار،

۱۳۸۳ ش

- الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ق
- الراوندی، سعید بن عبدالله، *الخرائج والجرائح*، قم: مدرسة الامام المهدي، ۱۴۱۱ ق
- ری شهری، محمد مهدی، *دانشنامه امام مهدی علیه السلام بر پایه قرآن حدیث و تاریخ*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۳
- سانتراک، جان، *روان شناسی تربیتی*، ترجمه: مرتضی امیدیان، یزد: دانشگاه یزد، اول، ۱۳۸۵
- سعادت اسفندیار، مدیریت منابع انسانی، تهران: سمت، یازدهم، ۱۳۸۵
- سیدرضی، نهج البلاغه، مصحح: صبحی صالح، قم: دارالهجرة، بی تا
- شعیری، محمد بن محمد، *جامع الاخبار*، نجف: مطبعة حیدریه، بی تا
- الشیبانی، احمد بن محمد ابن حنبل، *المستند*، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ ق
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر علیه السلام*، قم: دفتر آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ ق
- صدوق، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ ق
- _____، *کمال الدین و تمام النعمة*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ ق
- _____، *علل الشرايع*، قم: داودی، ۱۳۸۵ ق
- _____، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تهران: جهان، ۱۳۷۸ ش
- الطبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الاوسط*، قاهرة: دارالحرمین، ۱۴۱۵ ق
- طبرسی فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم: آل البيت، ۱۴۱۷ ق
- طبری محمد بن جریر، *دلائل الامامة*، قم: بعثت ۱۴۱۳ ق
- _____، *نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة علیهم السلام*، قم: دلیل ما، ۱۴۲۷ ق
- طوسی، محمد بن الحسن، *الغیبة*، قم: دارالتعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق
- العروسی الحویزی، علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق
- العیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمیه، ۱۳۸۰ ق
- القزوینی، محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۵ ق
- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۸۸
- قوامی، سید مصصام الدین، *اتحاد امامت و امارت در نظام جمهوری اسلامی*، نخل شهداد (مدیریت در اسلام)، سال ششم، ش ۱۴، ۱۳۸۹
- _____، *فقه الاداره (۱)*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲
- _____، *فقه الاداره (۳)*، قم: فقه النصب، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بی تا

- _____ ، تفسير موضوعی مدیریتی قرآن کریم، قم: دانشگاه معارف، ۱۳۹۳
- _____ ، مدیریت عدالت مهدویت، فصل نامه انتظار موعود، سال چهارم، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۱۴
- _____ ، مصطفی بن ابراهیم، بشارة الاسلام فی علامات المهدي، بيروت: مؤسسة البلاغ، ۱۴۲۸ق
- _____ ، کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق
- _____ ، کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدي ﷺ، قم: مؤسسة معارف الاسلامیة، ۱۳۸۶ش
- _____ ، کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، تهران: وزارة الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ق
- _____ ، گودرزی، اکرم و گمینیان، وجیهه، اصول مبانی ونظریه های جوسازمانی، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۱ش
- _____ ، مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
- _____ ، المروزی، نعیم بن حماد، الفتن، قاهرة: مكتبة التوحيد، ۱۴۱۲ق
- _____ ، مطهری، مرتضی، وحی و نبوت، تهران: انتشارات صدرا، بی تا
- _____ ، مفید، محمد بن نعمان، الاختصاص، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق
- _____ ، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق
- _____ ، مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۶
- _____ ، نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تهران: صدوق، ۱۳۹۷ق
- _____ ، نیت، گیج و دیوید، برلاینر، روان شناسی تربیتی، ترجمه: غلامرضا خوی نژاد و همکاران، مشهد: پاژه، اول، ۱۳۷۴ش
- _____ ، هارولد کونتز و همکاران، اصول مدیریت، ترجمه: محمد هادی چمران، تهران: مؤسسه انتشارات علمی، سوم، ۱۳۸۰ش
- _____ ، الهندی، علی المتقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بيروت: مكتبة التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ق
- _____ ، الهیثمی، احمد بن حجر، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع والزندقة، قاهرة: مكتبة القاهرة، ۱۳۸۵ق

- _ Koontz Harold & Others, Essentials of Management
- _ Mondy, R. W. and Noe, R. M. (1991) Human Resource Management